

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۳۱ جنوری ۲۰۲۳



محمد محق

محرومیت مضاعف زنان در سایه طالبان

به نظر می‌رسد که گروه طالبان همه عزم خود را جزم کرده است تا هر چه در توان دارد برای به حاشیه بردن زنان و تضعیف جایگاه آنان در اجتماع افغانستان به خرج دهد. تازه‌ترین اقدام این گروه محرومیت دختران از اشتراک در کانکور و در واقع بستن دروازه دانشگاه‌ها بر روی آنان است و این قطعاً آخرین اقدام در این مسیر نخواهد بود. بسیاری در داخل و خارج کشور می‌پرسند: چرا طالبان دست به چنین اقدام‌های نامعقولی می‌زنند؟ اقدام‌هایی که امروزه بیش از هر زمان دیگری ضد انسانی و غیر اخلاقی به شمار می‌رود. پاسخ‌های گوناگونی به این پرسش داده می‌شود، از اختلافات درونی جناح‌های طالبان، تا رویکرد سختگیرانه و افراطی امیر المؤمنین شان، تا نفوذ استخبارات پاکستان، تا رقابت با داعش بر سر افراطگرایی. شاید یکایک پاسخ‌های یاد شده به گوشه‌هایی از یک واقعیت پیچیده اشاره کند، اما یکی از پاسخ‌ها ناظر به "جهان‌بینی" طالبان و جایگاه زن در آن است. معمولاً هر جهان‌بینی از سه رکن اساسی تشکیل می‌شود: انسان، جهان و ماورای جهان. ماورای جهان را در زبان دین "عالم غیب" و در زبان فلسفه "متافزیک" می‌گویند که شامل خدا، فرشتگان، ارواح و عوالم مجردات است. در جهان‌بینی طالبان و دیگر افراطگرایان مذهبی، انسان به ذات خود ارزش و جایگاهی ندارد و آنچه به او ارزش می‌بخشد عوامل دیگری مانند اعتقاد دینی، گرایش حزبی، ریشه‌های تباری و مانند این‌هاست.

از روزگاری که اومانسیم یا انسان‌گرایی، پس از عصر رنسانس، به میان آمد، یکی از مقوله‌های بنیادین تفکر در جهان امروز تأکید بر ارزش ذاتی انسان بود، صرف نظر از سایر صفات و نسبت‌ها. انسان‌گرایی تأکید داشت که انسان بدون توجه به نرینگی و مادینگی، و بدون تفکیک میان مسلمان و نامسلمان، و بدون فرق میان سیاه و سفید، که هر کدام می‌تواند پایه تبعیض و بی‌عدالتی میان انسان‌ها گردد، دارای ارزشی ذاتی است که به صرف انسان بودن حاصل می‌شود. طبق این دیدگاه، انسان برای برخورداری از کرامت، حقوق و جایگاه شایسته نیاز به هیچ عامل دیگری فراتر از انسان بودن خود ندارد. انسان بودن کافی است تا همه مزایای یاد شده را برایش تثبیت کند و به عبارتی همه این‌ها با

خود انسان متولد می‌شود، نه این‌که کسی به وی ببخشد و هر گاه خواست از وی باز پس بگیرد. اعلامیه حقوق بشر برخاسته از چنین دیدگاهی است.

این دیدگاه با آن‌که ظاهراً محصول جنبش‌های فلسفی است، اما در ژرفای خود با روح ادیان همخوانی دارد و دست کم در میان مسلمانان تلاش نظری فراوانی شده است تا اثبات گردد که دین با بی‌عدالتی و نابرابری میان انسان‌ها موافق نیست، و کرامت ذاتی آدمی وابسته به هیچ امری فراتر از انسانیت انسان‌ها نیست.

طالبان و دیگر گروه‌های افراطی چنین دیدگاهی به آدمی ندارند و انسان‌هایی را که با این گروه همفکر و هم‌تبار نباشند فاقد کرامت و ارزش انسانی می‌شمارند. از نظر آنان نه مسلمان و نامسلمان برابرند، نه شیعه و سنی، نه مرد و زن، و نه هم‌تباران شان با ناهم‌تباران. از این رو یکی از مبارزاتی که دیگر مردمان نیاز دارند به آن کمر ببندند به نبرد فراخواندن این نگرش غیر انسانی به انسان است. آنچه امروزه و بلکه از بسیار سال‌ها، در این سرزمین در معرض خطر قرار داشته، انسانیت بوده است، نه دین، قومیت، فرهنگ یا هیچ امر انتزاعی دیگر، و امروز باید به دفاع از آن کمر بست. تبعیض در برابر زنان این جامعه از میان نخواهد رفت مگر آن‌گاه که انسانیت بدون هیچ پسوند و پیشوندی مدار کرامت، عزت و حقوق شهروندی باشد.